جناب حیدر قبل علی علیه بهآء اللّه الأبهی

هو الرّؤف الرّحیم

ابصار را خبر مینمائیم و بشارت میدهیم خود را از مشاهدهٴ آثار مقصود عالم و مالک امم منع منمائید یوم یوم شماست چه که از برای بینائی از عدم بوجود آمده‌اید و مقصود از این بینائی در مقام اوّل و رتبهٴ اولی مشاهدهٴ آثار اللّه بوده و هست و آذان را بشارت میدهیم خود را از فیوضات فیّاض حقیقی در ایّام الهی محروم مسازید شکّی نبوده و نیست که از برای اصغاء ندا خلق شده‌اید و مقصود از این اصغا در قیّوم اسماء شنیدن این ندا است که از افق اعلی در عشیّ و اشراق مرتفع

یا حیدر قبل علی و یا علی قبل حیدر این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابهٴ بصر است از برای قرون و اعصار و بمثابهٴ نور است از برای ظلمت ایّام فی‌الحقیقه ایّامی که از تجلّیات انوار آفتاب حقیقت محرومست از لیالی محسوب بل اظلم کذلک نطق مالک القدم اذ احاطته الأحزان من الّذین نبذوا الأمانة ورائهم و قالوا ما ناح به الصّدق و عملوا ما صاح به الصّهیون اولیای الهی دانسته و میدانند که این مظلوم نظر برکن وفا که از اعظم ارکان نزد مالک امکان مذکور نصرت و اعانت حضرت سلطان را میطلبید ولکن از مقام دیگر و افق آخر نیّر نصر و ظفر اشراق نمود قل

الهی الهی اسألک بقیامک الّذی به قام النّبیّون و المرسلون و نصبت رایة لا اله الّا انت علی اعلی مقام الوجود ان تزیّن سلطان الایران بأنوار الفضل و الاحسان ای ربّ ایّده علی العدل الخالص لتستضیء به آفاق مملکتک ثمّ الهمه یا الهی ما اردت فی ارتفاع مقامه و حفظ مملکته ای ربّ وفّقه برحمتک ثمّ احفظه بجنود غیبک لیقوم علی ارتفاع کلمتک بین ملوک ارضک الّذین فوّضت الیهم امور خلقک ای ربّ زد فی قدرته و سلطانه و عزّه و اقتداره لیحکم بین العباد علی ما امرته به فی کتابک انّک انت المقتدر العزیز الفضّال

باید این حزب مظلوم در لیالی و ایّام عدل حضرت سلطان را طلب نمایند و مسئلت کنند ولکنّ اللّه اظهر ما اراد و یظهر ما یرید البتّه عدل حضرت سلطان ایران از برای اهل آن افضل و احبّ است و امّا از افقی که این ایّام نور عدل اشراق نموده باید اجر آن و مکافات آن از نظر اولیای الهی محو نشود جوهر جمیع کتب سماوی مشعر و ناطق است بر مکافات محسنین و عاملین نسأل اللّه ان یوفّقکم علی اجرآء ما امرتم به من قلمه الأعلی انّه علی کلّ شیء قدیر

توجّه بدول خارجه جایز نه هذا ما حکم به المظلوم فی کتابه المبین چون اراده‌ها و دعاهای شما لوجه اللّه است البتّه بر حضرت سلطان ایّده اللّه تبارک و تعالی نیّر عدل اشراق مینماید

الهی الهی ایّده علی ابقآء اسمه فی کتابک و ارتقآء مقامه بین خلقک انّک انت المهیمن العزیز المختار

یا حیدر قبل علی علیک بهائی الأبدی باب فضل باز است و فرات جود از قلم لدنّی جاری فضل بمقامی رسیده که اگر از ذرّات کائنات سؤال شود لمن الفضل تقول للّه ربّ الأرباب اولیای الهی را بعنایتش بشارت ده و بفضل نامتناهیش آگاه نما لئلّا یحزنهم نقنق الضّفادع در هر حال بحبل رحمت متمسّک باشید و در بارهٴ کل بفضل ناظر شما انهار جاریهٴ منشعبۀ از بحر اعظمید باید خود را در راه ارتقاء اهل عالم فدا نمائید

یا علی قبل حیدر علیک بهآء اللّه مالک القدر اگرچه در ظاهر بزحمت افتادی ولکن در باطن در مقام ابر رحمت چه که آثار امانت و دیانت و عفّت و صدق و صفا در اطراف عالم بتو منتشر وصف این مقام خارج از بیان الأمر بید اللّه مالک الأنام اولیای آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان قل نوصیکم بأعمال یتنوّر العالم بأنوارها بذیل عدل تشبّث نمائید و بحبل حکمت تمسّک ضغینه و بغضای عباد این ایّام نظر بنادانی و عدم معرفت است والّا اگر بیابند که شما از برای چه ظاهر شده‌اید و بچه مأمورید هرآینه کل سرّاً و جهراً بطواف مشغول گردند انّه یعلم و یقول و النّاس یقولون و لا یعلمون

یا حیدر قبل علی مخصوص ابناء خلیل ارض هاء و میم چندی قبل الواح مقدّسه از سماء اراده نازل و ارسال شد اگر جمیع اهل عالم بیک قطره از بحور مستورهٴ در کلمات الهی فائز شوند از ما عندهم بگذرند بشأنی که اسباب عالم از اشیاء و زخارف و الوان ایشان را از نبأ اللّه محروم ننماید و از اثمار سدرهٴ منتهی منع نکند اینکه مصلحت ندیدید جناب مذکور در امورات عین و شین داخل شود نعم ما عملت قد تزیّن رأیک فی هذا المقام بطراز القبول

و در بارهٴ جمع الواح از لوح قبل خود و اشراقات و طرازات و تجلّیات و غیر آن و همچنین از الواحی که حکم منع سیف و فساد و جدال در آن نازل و امثال لوح برهان و الواحی که ناطق است بمحبّت و الفت و اتّحاد کل که ذکر نمودید این اراده مبارکست و محیط و نافذ و فی‌الحقیقه از سلطان اعمال نزد غنیّ متعال مذکور و محسوب طوبی للعاملین انشآءاللّه کاتب مذکور موفّق شود بر تحریر آنچه سبب بقا و علّت آسایش اهل عالم است انّا ذکرنا ابنآء الخلیل فی الواح شتّی و ابن من سمّی بیهودا و اوقدنا بذکرهم ناراً فی السّدرة المرتفعة فی الفردوس الأعلی تنطق انّه لا اله الّا هو المهیمن القیّوم کبّر علیهم من قبلی و بشّرهم بما اشرق و لاح من افق اللّوح من نیّر عنایة ربّهم الغفور الکریم نسأل اللّه ان یمدّهم و یؤیّدهم علی الاستقامة الّتی بها ارتعدت فرائص المشرکین

ذکر هادی دولت‌آبادی را نمودید فی‌الحقیقه بیک قطره از بحر انصاف فائز نه اولیای ارض قاف و میم را در الواح شتّی ذکر نمودیم انشآءاللّه بشرف استقامت فائز شوند هادی باعتساف ظاهر و در اضلال ناس ساعی و جاهد اسامی اولیای ارض قاف و میم را ذکر نمودید مخصوص هر یک لوحی نازل و ارسال شد از حقّ میطلبیم نفوس آن ارض را بمثابهٴ جبل ثابت و راسخ و مستقیم دارد نهرین از اوّل ایّام الی حین جاری قد سبقا فی الاقبال و التّوجّه علی اکثر العباد یشهد بذلک مالک الایجاد

ذکر کتب عقاید هادی را نمودی سبحان‌اللّه از یومی که اسم بابی را باو نسبت داده‌اند الی حین آرام نگرفته بانواع حیله و تدبیر جان ناقابلش را حفظ مینماید مع‌ذلک با فوارس مضمار انقطاع عمل نموده آنچه را که هیچ ظالمی ننموده اهل سه‌ده را از قبل مظلوم تکبیر برسان قل یا قوم انظروا الی آثار اللّه و رحمته و عزّه و عظمته و اقتداره و اذکروا ما ظهر من عندی قد کنت قائماً فی اوّل الأیّام امام وجوه العالم و بلّغت الأمرآء و العلمآء و العرفآء ما اردته فی اصلاح العالم و ارتقآء الأمم بحیث ما سترت وجهی فی اقلّ من آن ثمّ فکّروا فی الّذین انفقوا اموالهم و ارواحهم فی سبیلی ما منعتهم الثّروة و لا الزّینة و لا العزّة اقبلوا الی مقرّ الفدآء بوجوه نورآء و فازوا بکوثر الانقطاع و الانفاق فی حبّ اللّه المهیمن القیّوم بگو ای قوم هادی بمثابهٴ یکی از علمای فرقان بر ترتیب حزبی مثل شیعه مشغول دعوه بقدرة اللّه ثمّ اسلکوا سبل الّذین ما منعتهم سطوة الظّالمین و لا شوکة المعتدین و لا جنود الأرض کلّها کذلک یذکّرکم القلم الأعلی فی سجنه الأعظم لتعرفوا و تکونوا من الشّاکرین امید آنکه از نفحات وحی و نار کلمه کل مشتعل شوند و بنور امر منوّر حیله و مکر سیّد مهدی نجف‌آبادی در ساحت اقدس مشهود قد انزلنا له من قبل آیاتاً بها تعطّرت مدائن الحکمة و البیان و العلم و العرفان و ما انجذبت به افئدة المقرّبین سبحان‌اللّه بمثابهٴ صخرهٴ صمّاء قابل اصغاء کلمة اللّه نبوده و نیست قل یا مهدی قد احاطت الآیات کلّ الجهات و اشرقت شمس البیّنات امام وجوه الأحزاب انّک لو تنکر فضل اللّه و آیاته و حجّة اللّه و برهانه بأیّ شیء تثبت ما عندک و بأیّ برهان تدعو النّاس الی ما عندکم من الأوهام و الظّنون نشهد انّه ما عرف السّبیل و لا الدّلیل یتّبع اهوائه کما اتّبع القوم اهوائهم الا انّه و من معه من الأخسرین فی کتاب اللّه العلیم الحکیم

اینکه ذکر اسم اللّه جیم را نمودی و همچنین استقامتشان را بر امر حقّ جلّ جلاله این ایّام مخصوص او از سماء عنایت نازل شد آنچه که لآلی بحور بیان و عرفان بآن معادله ننماید امروز باید کل بتألیف قلوب مشغول شوند و به ما اراده اللّه متمسّک گردند انّا نکبّر علیه من هذا المقام و نبشّره بما قدّر له من لدن مقتدر قدیر ایادی امر هر یک لدی المظلوم مذکورند و این معدود باید در لیالی و ایّام بحکمت و بیان در الفت و اتّحاد همّت را مبذول دارند هذا ما حکم به اللّه فی الزّبر و الألواح یا حیدر قبل علی هر هنگام آثار علوّ امر فی‌الجمله ظاهر از خلف استار بی‌انصافهای عالم بیرون آمدند و عمل نمودند آنچه را که شنیدید و دیدید این الانصاف و این العدل لو لا البهآء من یقدر ان یقوم امام الوجوه و من یقدر ان ینطق بین الأحزاب علم اللّه انّ المفترین و النّاعقین یعلمون و یعرفون بأنّا رفعنا الأمر بقدرة من عندنا و سلطان من لدنّا ولکن ینکرون اتّباعاً لأوهامهم و ظنونهم نسأل اللّه ان یرجع الکاذبین و المفترین الی بحر الصّدق انّه هو المقتدر المعطی العزیز الحکیم

توجّه جناب محمّد اسمعیل از قبل امضا شد و جناب حاجی سیّد اسداللّه را هم اذن میدهیم بشرط اقتضای حکمت و اگر از طریق دیگر توجّه نمایند احبّ و اولی است چه که در مدینهٴ کبیره مفترین و خائنین مترصّدند در هر قلبی القای شبهه و ریب نموده و مینمایند مع آنکه خیانت آن نفوس نزد اهل آن مدینه ثابت و مبرهن گشت

یا حیدر علیک بهائی چندی قبل لوحی مخصوص ابن شهید علیهما بهآء اللّه الأبهی نازل و در آن لوح ذکر شهید الّذی فدی نفسه فی سبیل اللّه بوده و انزلنا له ما لا ینقطع عرفه و لا یتغیّر اثره و ما قدّر فیه انّ ربّک هو الغفور الرّحیم رعایت ابن بر کل لازم البتّه باید بکسب و شغلی اشتغال نماید بی اثر و ثمر نماند الحمد للّه الّذی زیّن رأسه باکلیل اسمی و هیکله بطراز نسبتی و نسأله ان یوفّقه علی حفظ هذا المقام الأعلی و المقرّ الأبهی

قد احزننا ما ورد علی ابن ابهر من القضآء المثبت قد کان لها شأن و مقام عند اللّه انّا ذکرناها من قبل و نذکرها فی هذا الحین یا امتی و یا ورقتی اشهد انّک اقبلت اذ ارتفع النّدآء من الأفق الأعلی و اخذت بیدک الیمنی کوثر الرّضآء و بالأخری سلسبیل البقآء و شربت منهما مرّةً باسمی الأعلی و اخری باسمی الأبهی نشهد انّک حملت الشّدائد و البلایا فی سبیل اللّه ربّ العرش و الثّری ما منعک اعراض الامآء و لا شماتتهنّ و لا ما خرج من فمهنّ اشهد انّک سبقت اکثر العباد فضلاً عن الامآء و اقبلت الی افق الظّهور اذ اعرض عنه رجال الجهات اوّل ضیآء ظهر من بحر النّور و اوّل تجلّی اشرق من افق الطّور علیک یا امة‌ اللّه مالک یوم النّشور انت الّتی اجبت ندآء ربّک و فزت بآیاته و آثاره و ما ظهر من عنده نسأل اللّه تبارک و تعالی ان ینزل علیک من سحاب فضله امطار رحمته و یکتب لک اجر اللّائی طفن حول العرش فی العشیّ و الاشراق و فی الغدوّ و الآصال یا ورقتی انت فی الأفق الأبهی و یذکرک المظلوم فی سجن عکّآء طوبی لک و نعیماً لک افرحی یا امتی بهذا الذّکر الّذی اذا خرج من فمی ماج بحر الغفران و هاج عرف الرّحمة و الاحسان من لدی الرّحمن طوبی لمن اقبل الیک و ذکرک بما نطق به لسان اللّه المهیمن القیّوم البهآء من لدنّا علیک و النّور من عندنا علیک و علی من تقرّب الیک و حضر امام تربتک و زارک بما نزّل من لدی اللّه مالک الغیب و الشّهود

ذکر جناب ابن ابهر علیه بهائی در ساحت اقدس بوده و هست و آنچه در مقامات جذب و شوق و اشتعال و تبلیغ ایشان ذکر نمودی بشرف اصغا فائز امید آنکه بانقطاع خالص و منتهی التّقدیس بتبلیغ امر الهی مشغول باشند انّا سمعنا ذکره و ندائه فی هذا الأمر المبرم و کنّا معه فی المجالس و المحافل انّ ربّک یسمع و یری و هو السّمیع البصیر چندی قبل جواب مطالب ابن ابهر از سماء عنایت نازل و ارسال شد ولکن نرسیده نسأل اللّه ان یشرّفه به و یجعله فائزاً بلقائه

یا حیدر قبل علی از حقّ بطلب مبعوث فرماید نفوسی را که منقطعاً عن العالم بر نصرت مظلوم قیام نمایند و ایادی امریّهٴ موجوده را مؤیّد فرماید بر آنچه سبب و علّت ورود عباد است در لجّهٴ بحر توحید حقیقی ابن مریم میفرماید یا اغنام اللّه شما را مابین ذئاب میفرستم باید از ارضی که ارادهٴ حرکت بارض دیگر نمائید تراب آن ارض هم با جامه‌های شما نباشد ولکن نظر بتغییرات اسباب و خلق باید انسان در آنچه سزاوار یوم است تفکّر نماید و عمل کند

ذکر بیشعوری بعضی از معرضین بیان را نمودی فی‌الحقیقه بحقّ ناطقی حضرت نقطه روح ما سواه فداه بأعلی النّدآء التماس مینماید و بکمال عجز میفرماید آن یوم به بیان محتجب ممانید مع‌ذلک هادی دولت‌آبادی با هر یک از مقبلین ملاقات مینماید بذکری از بیان قصد اضلال میکند و غافل از آنکه آن حین بمخالفت حضرت مشغول است از مالک وجود مسئلت نما انصاف عطا فرماید سبحان‌اللّه بمقدّمه مؤمنند و از اصل معرض بمبشّر قائلند و از سلطان ظهور محجوب فی‌الحقیقه مقام این کلمۀ علیاست یا حیدر قبل علی این ایادی غیر طاهره قابل تشبّث ذیل اطهر اقدس نبوده و نیست

الهی الهی فابتعث من عندک من یذکرک و ینصرک انّک انت المجیب و انّک انت السّمیع و انّک انت العلیم لا اله الّا انت المؤیّد المشفق الکریم

ذکر جناب میرزا محمّد باقر علیه بهائی را نمودید انّا ذکرناه فی مقامات شتّی و نسأل اللّه ان یحفظه و اولیائه من کلّ ظالم بعید و کلّ معتد اثیم اولیا طرّاً را وصیّت مینمائیم بمدارا و حکمت و بآنچه سبب جذب افئده و قلوبست در جمیع احوال از آنچه سبب ضوضا و اشتعال نار بغضا است نهی نمودیم چه که اکثری جاهلند و بمقصود آگاه نه لذا مشتعل میشوند

شهر محرّم‌ الحرام لازال محترم بوده بالأخره بشهادت سیّدالشّهدآء علیه السّلام دارای مقام اعلی و رتبهٴ علیا شد و در این ظهور نظر بظهور نقطهٴ اولی و تولّد او مقام دیگر تحصیل نمود از اوّل جزع و فزع و نوحه و ندبه ظاهر و از ثانی فرح و سرور ولکن این فقره نزد حزب اللّه معلوم و واضح و نزد حزب دیگر مستور و مکنون لذا نظر برحمت الهی که سبقت گرفته و فضل و عطای ربّانی حزب اللّه باید در آن ایّام حرمت آن یوم را نگاه دارند حضرت نقطه هم حرمت آن یوم را ملاحظه میفرمودند

فی آخر القول امید آنکه اولیای الهی تمسّک نمایند بآنچه که سبب تقرّب احزابست و همچنین سبب اصلاح عالم و امم البهآء المشرق من افق سمآء الفضل و العطآء علیک و علی اولیائی الّذین نبذوا ما نهوا عنه و عملوا ما امروا به فی کتاب اللّه العلیم الحکیم الحمد للّه ربّ العرش العظیم

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۲، ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر